



تربون رسمی بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مدیر مسئول: علیرضا صفری - سردبیر: فرزاد علیپور - سال چهاردهم - شماره ششم - هفته چهارم آبان ماه ۱۳۹۹

صفحه بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران را در شبکه های مجازی دنبال نمایید. [@basij\\_lp](https://www.instagram.com/basij_lp) [iran1404.ir](https://www.instagram.com/iran1404.ir)



# مبادا تکرار شود!

علیرضا صفری



"پوهنچی حقوق در خون"  
فاطمه مزجی



"طرحی الزام آور تدبیر"  
حسنا حاجی باشی



"I won this election, by a lot"  
عرفان علمشاهی



"گودتا در دولت جمهوری خواه"  
محمد مهدی فراهانی



"خط امید"  
فرزاد علی پور



تمام تخم مرغ های خود را  
در یک سبد نگذارید!  
محمد رزازان

# مبادا

# تکرار

# شود!

کمتر از هشت ماه تا انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ باقی مانده است. مردم سخت درگیر مشکلات معیشتی و اقتصادی هستند و دولت افتاده در باتلاق سو مدیریت نیز شیوع کرونا را عامل این معضلات دانسته و مضاف بر آن آدرس واشنگتن‌دی‌سی را به عنوان علت‌العلل مشکلات مردم معرفی می‌کند.

قیمت دلار و سکه، هر روز رکورد جدیدی را ثبت می‌کند و آرزوی خرید مسکن که تا چند سال گذشته نیز در ذهن جوانان غیر قابل تصور نبود، حال به آرزوی اجاره خانه، آن هم در نقاط حاشیهای شهرها، تقلیل پیدا کرده است. میزان ازدواج در سال نبود که برابر با ۸۷۵ هزار بوده است، در سال ۹۸ با کاهش ۴۰ درصدی به ۵۲۰ هزار در سال و در مقابل تعداد ۱۴۲ هزار طلاق در سال ۹۰ با افزایش ۲۰ درصدی به عدد ۱۷۵ هزار طلاق در سال ۹۸ رسیده است. از طرف دیگر نیز ضریب جینی که مؤید فاصله طبقاتی میان مردم جامعه است با افزایش بی‌سابقه، رکورد جدیدی را در طی ۱۶ سال گذشته از خود به جای گذاشته و به همین منوال نیز میزان تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی در سال ۹۸ رکورد سال‌های بعد از ۱۳۷۴ را شکسته است.

همه و همه‌ی این آسیب‌ها، مشکلات و پسرقتها در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و معیشتی نه آثار تحمیل یک جنگ نظامی تمام عیار، که معلول گفتمان موسوم به «تدبیر و امید» در ۸ سال گذشته است. گفتمانی که سودای مذاکره با جهان در سر داشت و آنچنان محو در عظمت یک کشور کاپیتالیستی بود که قرارداد ننگین برجام را به کشور و مردم با شعار تعامل با دنیا، تحمیل کرد. این دولت تکیه‌زده بر اریکه قدرت، با فرصت‌سوزی‌های عجیب و غریب در زمینه احیای توانایی‌های داخلی، راه‌حل مشکلات کشور را در آن سوی مرزها جست و جو می‌کرد و با طرح ادعای اطلاع از ترفندهای مذاکره، کشور را چنان وابسته به اقدامات غرب کرد که اهمیت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در افکار عمومی صدها برابر شد و به افکار عمومی نیز چنین القا شد که کلید راه حل مشکلات کشور نه در دست مسئولان اجرایی که در جیب دمکرات‌های آبی رنگ قرار دارد. حال اما پرسش اصلی این است که آیا مواضع دمکرات‌های آمریکا در قبال ایران ملایم‌تر از جمهوری خواهان است؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا بارها تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال کرده است. دولت آمریکا از ابتدای انقلاب تاکنون ۳۹ قانون و دستور اجرایی را علیه ایران اجرا کرده است که البته اثرات این قوانین با یکدیگر برابر نیستند؛ به طور مثال تحریم‌های اعمالی علیه ایران تا قبل از سال ۱۹۹۶ صرفاً صادرات و واردات کالاها از مبادا و به مقصد آمریکا یا ایران به یکدیگر را محدود می‌کرد اما در تحریم‌های اعمالی قانون سیسادا در سال ۲۰۱۰ یعنی دوران ریاست جمهوری اوپاما و معاونت جو بایدن برای اولین بار تمامی مؤسسات مالی دنیا که با نهادهای ایرانی رابطه برقرار می‌کردند شامل تحریم شدند. از مجموع ۳۹ قانون و دستور اجرایی که علیه ایران اجرا شده است یا نهادهای ایرانی بر آن اساس در لیست تحریم قرار گرفته‌اند، ۲۳ تحریم توسط رؤسای جمهور دمکرات آمریکا اجرا شده است. از این ۲۳ قانون یا دستور اجرایی ۳ تحریم سهم جیمی کارتر، ۵ تحریم سهم بیل کلینتون و ۱۵ تحریم سهم دولت باراک اوپاما است. علاوه بر این بسیاری از تحریم‌ها برای اولین بار توسط دمکرات‌ها اجرا شده است.

دوران دولت اوپاما-بایدن، دوران اوج سیاست تحریمی آمریکا در طول تاریخ بود. در این دوران ابتدا با تصویب و اجرای قانون سیسادا آمریکا به تمامی بانک‌های دنیا اعلام کرد که در صورت انجام تراکنش برای نهادهای ایرانی مشخص شده، آنها را از داشتن حساب کارگزاری دلار محروم می‌کند.

در این قانون و همچنین دستور اجرایی ۱۳۵۷۴ که توسط اوپاما صادر شد، تحریم‌ها و مجازات ذیل قانون تحریم‌های ایران (ایسا) نیز گسترش یافت و صادرات فرآورده‌های نفتی از جمله بنزین به ایران ممنوع شد. بر اساس دستور اجرایی ۱۳۵۵۳ و ۱۳۶۰۶ نیز افراد و نهادهایی از ایران به بهانه نقض حقوق بشر و بر اساس دستور اجرایی ۱۳۵۹۰ افراد و نهادهای فعال در صنعت پتروشیمی ایران در لیست تحریم قرار گرفتند. سپس آمریکا بر اساس قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲ و دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ و ۱۳۶۲۲ علاوه بر قراردادن نهادهای مهمی از ایران از جمله بانک مرکزی در لیست تحریم، اعلام کرد هرگونه انجام تراکنش با بانک مرکزی ایران و با برای خرید نفت از ایران باعث محرومیت بانک‌های تراکنش کننده از نظام مالی آمریکا و حساب کارگزاری دلار می‌شود؛ به این ترتیب تلاش گسترده برای کاهش فروش نفت و کاهش دسترسی‌های ارزی ایران آغاز شد. همچنین این روند تا جایی ادامه یافت که به بخش‌های خودرو و برخی فلزات نیز سرایت کرد.

بنابراین و با توجه به جملات فوق می‌توان گفت که همواره بیشترین و شدیدترین تحریم‌ها در زمانی طراحی و اجرا شده است که دمکرات‌ها بر نظام سیاسی آمریکا حاکم بوده‌اند و نکته قابل تأمل این است که در میان دولت‌های دمکرات، دولت اوپاما که بایدن در سمت معاون او مشغول به کار بوده است، در سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶، از حیث کمی و کیفی شدیدترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کرده است.

همه این موارد نشان دهنده این است که آمریکا - هر دو حزب حاکم بر آن - یا هیچ یک از دیگر کشورهای غربی، جز تضعیف و انزوای جمهوری اسلامی هدف دیگری را دنبال نمیکنند و این خود ما هستیم که باید با یک دید کلان و راهبردی به دنبال حل مشکلات کشور با اتکای به توان داخلی باشیم.

در این بین نکته قابل توجه این است که غربزدگان و دلباختگان دنیای غرب، با روی کار آمدن دولت جویایدن باردیگر قصد دارند تا در میان افکار عمومی، مذاکره و تعامل با آمریکا را به عنوان تنها راه نجات از مصائب و مشکلات کشور، بازنمایی کنند و با استفاده از دستگاه‌های عریض و طویل رسانه‌ای خود در داخل و خارج از کشور گفتمان مذاکره را در عرصه انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، به مسئله و اولویت اصلی کشور مبدل کنند.

بنابراین باید هشدار داد که مبادا این جماعت شیفته کدخدایان، با بهره‌گیری از حافظه کوتاه مدت مردم به واسطه جنگ روایت‌ها، بار دیگر کشور را به سوی پرتگاه سازش با شیطان بزرگ هدایت کنند.

## علیرضا صفری

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی



# I won this election, by a lot

ترامپ و وکیل او با اطمینان عجیبی در رسانه ها و فضای مجازی از پیروزی خود صحبت می کنند! وکیل ترامپ با اطمینان از مدارکی دال بر تقلب گسترده در پنسیلوانیا و جرجیا صحبت می کند و آنها را "شوک کننده" می خواند. هم اکنون هم دستور به بازشماری آرا در جرجیا داده شده است! جمهوری خواهان از چند صد صفحه مدرک مبنی بر تقلب حرف می زنند! جارجیا با ۱۶ رای الکترا، پنسیلوانیا با ۲۰ رای، میشیگان با ۱۶ رای و ویسکانسین با ۱۰ رای برای ترامپ اهمیت فراوانی دارند و می توانند بایدن را وارد چالش جدی بکنند! از طرف دیگر تیم بایدن خود را آماده انتقال قدرت می کند و حتی شروع به انتخاب برخی از کارکنان کاخ سفید در دولت آینده هستند! هر دو رقیب خود را رییس جمهور منتخب می دانند و در موازات یکدیگر کار خود را انجام می دهند!

پاسخ به این سوال که سرانجام این چالش چه می شود سخت است. اما چیزی که مشخص است این است که تا الان آمریکا توانسته ساختارهای قانونمند خود را کارآمد نشان دهد و از هرگونه درگیری جدی و خطرناک جلوگیری کند. یک نامزد مدعی پیروزی خود و تقلب طرف مقابل است و کاملاً منطقی و قانونی شکایت خود را مطرح ساخته است و این نقطه مثبت و قوتی برای ساختارهای حکومتی در آمریکاست! گرچه فضای جامعه و کف خیابان های آمریکا در شهر های مختلف تا حدودی ملتهب است اما فضای حقوقی و سیاسی داخل آمریکا آرام است. البته این بدین معنا نیست که حتما آرام می ماند. باید دید که در صورت موفق بودن شکایت های ترامپ، بایدن و طرفدارانش چه عکس العملی را نشان می دهند و اگر این شکایات رد شوند ترامپ چه واکنشی نشان خواهد داد...

**عرفان علمشاهی**  
دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

جالب اینجاست که درباره دو مورد آخر ویدیوها و عکس هایی در فضای مجازی در آمریکا در حال دست به دست شدن است که باعث شده است فضایی شبیه به وضعیت فضای مجازی در ایران پدید بیاید! البته نباید از دیگر تحلیل ها هم چشم پوشی کرد. به عنوان مثال برخی معتقدند پیش افتادن ناگهانی بایدن بعد از شمارش آرای پستی امری طبیعی و قابل پیش بینی بود. زیرا دموکرات ها در طول رقابت های انتخاباتی به شدت طرفداران خود را به دادن رای پستی تشویق می کردند. بنابراین بخش قابل توجهی از رای طرفداران دموکرات در آرای پستی است!

حال، این اختلافات و شکایات، انتخابات را به دیوان عالی ایالات متحده و دادگاه های ایالتی کشانده است. البته علی القاعده دادگاه های ایالتی باید به شکایت های ترامپ رسیدگی کنند، زیرا شکایات ترامپ ایالت به ایالت است و دادگاه هر ایالت باید به طور مجزا صحت شمارش آرا را بررسی کند. اما گویا این بار دیوان عالی آمریکا هم قصد ورود به این چالش را دارد و همین گره انتخابات آمریکا را پیچیده تر می کند! زیرا دیوان عالی می تواند بر نوع شمارش آرا قواعدی را تعیین کند یا بخشی از آرای شمارش شده را ابطال کند و همچنین می تواند اعتبار نتایج را به طور قطعی اعلام کند. ترامپ هم تلاش می کند این دیوان را وارد ماجرا کند تا احتمال پیروزی خود را افزایش دهد.

حال سوالی که مطرح است این است که تا الان شکایت های تیم ترامپ به کجا رسیده است؟ و به کجا خواهد رسید؟

همچنان همه چیز به نفع جو بایدن است. اما در روند بررسی شکایت ها اتفاقاتی در حال وقوع است که می تواند کور سوی امیدی برای تیم انتخاباتی ترامپ باشد.

آن چیزی که هم اکنون در آمریکا در حال رخ دادن است، تقریباً از قبل از آغاز رای گیری قابل پیش بینی بود. از صحبت های ترامپ در کنفرانس خبری اش و سخن از اینکه قدرت را به طور مسالمت آمیز انتقال نخواهد داد، تا هشدار های مکرر مبنی بر اینکه در رای گیری پستی تقلب های بسیاری در حال رخ دادن است، همه و همه، این نکته را بر ما آشکار کرده بود که نه ترامپ به سادگی کاخ سفید را ترک می کند و نه بایدن کار راحتی برای رسیدن به همان کاخ دارد، حتی بعد از اعلام پیروزی اش!

هم اکنون یک دعوی حقوقی و یک دعوی سیاسی به موازات همدیگر در آمریکا در جریان است. ترامپ از یک سو در برخی ایالت ها ادعای پیروزی دارد و صحبت از "آرای غیرقانونی" می کند که به طور ناگهانی بایدن را در چند ایالت از ترامپ پیش انداخته است. واقعا هم ناگهانی بود! به عنوان مثال، ترامپ تا یکی دو روز بعد از اتمام رای گیری و شروع شمارش آرا در ایالات، در ایالت هایی مثل پنسیلوانیا یا میشیگان و ویسکانسین، ترامپ با اختلاف قابل توجهی نسبت به بایدن پیش بود. در پنسیلوانیا تا هنگام شمارش ۷۶ درصد آرا، این

ترامپ بود که با اختلاف تقریباً هفتصد هزار رای پیش بود. اما هنگامی که کار به شمارش رای های پستی کشیده شد، همه چیز دگرگون شد و این بایدن بود که از رقیب خود پیش افتاد و در نهایت آنقدر جلو افتاد که اعلام شد بایدن در این ایالت پیروز شده است. آرای باقی مانده که هنوز شمارش نشده بودند تماماً آرای پستی بودند و دقیقاً محوریت اصلی شکایت ترامپ هم همین آرای پستی است! جمهوری خواهان و ترامپ ادعاهای گوناگونی را در این زمینه مطرح کرده اند. آنها معتقدند در شمارش آرای پستی تقلب های گسترده ای رخ داده است. به نمایندگان ترامپ در بعضی از ایالات -مخصوصاً ایالت های مورد مناقشه- اجازه نظارت بر شمارش آرا داده نشده است.

بسیاری از آرای پستی مربوط به افرادی است که سال ها پیش مرده اند! بسیاری از رای هایی که به ترامپ داده شده است سوزانده شده و یا دورریخته شده اند!



# طرحی الزام آور تدبیر



حمیدرضا حاجی بابایی پیرو بررسی کلیات طرح تأمین کالاهای اساسی در همان جلسه در صحن مجلس گفت: (در این طرح پیش بینی کردیم ۳۰ هزار میلیارد تومان منابع اختصاص دهیم که از این منابع به ۲۰ میلیون نفر در کشور که در تهیه غذای روزمره خود با مشکل مواجه اند، کالاهای اساسی را برسانیم و سبد کالا با ۵۰ درصد قیمت را برای ۵۰ میلیون نفر دیگر تأمین کنیم).

رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی افزود: بر اساس تبصره ۱۴ طرح، دولت به ۶۰ میلیون نفر کارت الکترونیک داده و هر ماه کمک‌های معیشتی را به حساب آن‌ها واریز می‌کند، ما از میان این ۶۰ میلیون می‌خواهیم به ۲۰ میلیون نفر سبد کالای رایگان و به ۴۰ میلیون نفر با ۵۰ درصد تخفیف این سبد را اختصاص دهیم. وی تأکید کرد: ما در ارتباط با تأمین منابع برای تأمین کالاهای اساسی اطمینان صددرصد داریم.

وقتی تورم افزایش می‌یابد اقشاری که حقوق حداقلی را دریافت می‌کنند بیش از پیش متضرر خواهند شد لذا توجه مجلس در این طرح باید به اقشار کم‌درآمد و اقشاری که درآمد ثابت دارند باشد تا بلکه بتواند با کمک این طرح کمکی به وضع معیشت مردم و اقشار کم درآمد کند. اما به طور کلی نگرانی‌هایی درباره منابع تأمین کننده این طرح وجود دارد که قابل مطرح شدن هستند البته شکی در آن نیست که اگر این طرح به نحو احسن اجرا شود حداقل کمی به وضعیت معیشتی اقشار کم در آمد کمک می‌شود اما باید توجه داشت که برای این طرح از منابعی استفاده شود که مجدد به افزایش قیمت‌ها و افزایش تورم منجر نشود که خدایی ناکرده به دلیل بی تدبیری در نحوه اجرا ضربه ای مهلک تر از قبل به اقتصاد و معیشت مردم وارد شود.

## حسنی حاجی باشی

مجلس یازدهم در این چند ماه دو طرح جهش تولید و تأمین مسکن و همچنین طرح تأمین کالاهای اساسی را مطرح کرد که این نشان دهنده جهت گیری مجلس به موضوعات اقتصادی است.

در حالیکه نمایندگان در انتظار پاسخ دولت نسبت به پیشنهادات مطروحه خود بودند، ربیعی سخنگوی دولت در نشست خبری هفتگی خود موضوع را از بررسی کارشناسی خارج و بحث را به رسانه‌ها کشاند و در پاسخ به ادعایی درباره اینکه مجلس برای تأمین منابع مالی طرح تأمین کالاهای اساسی خواستار برداشت پول از محل منابع حقوق کارگران و بازنشستگان شده است، اظهاراتی خلاف واقع را نسبت به مجلس مطرح و پاسخ تمام پیشنهادات مجلس را در رسانه‌ها اعلام کرد و این اظهارات واکنش بسیاری از نمایندگان مجلس را به دنبال داشت.

در این راستا از شخصی در قامت سخنگویی دولت که مسئول اطلاع رسانی قوه مجریه است، انتظار می‌رود صحیح تر اطلاع رسانی کند. متأسفانه بزرگترین ضعف این دولت آن است که هنوز باور ندارد، عده ای از مردم به دلیل سیاست‌های نادرست و بی تدبیری آنها در بحث تأمین کالاهای اساسی آسیب دیده اند و دیگر توانایی و قدرت خرید ندارند.

هدف مجلس از تصویب این طرح با رای بالا بیدار کردن دولت از خواب گران بود اما گویا ربیعی هنوز پیام ملت را دریافت نکرده است و نمی‌داند در کشور چه مشکلاتی به دلیل بی تدبیری آنها ایجاد شده است. صداقت نمایندگان نیز همین جا نمایان می‌شود که تاکنون دولت هر لایحه‌ای را که به نفع مردم به مجلس ارسال کرده را تصویب کرده است و آقای ربیعی باید پاسخگو باشد، کدام لایحه حامی منافع مردم را در اختیار نمایندگان قرار داده و تأیید نشده است؟

در هر حال چندی پیش طرحی با عنوان تأمین کالاهای اساسی با موافقت ۲۱۵ نفر از نمایندگان از مجموع ۲۵۰ نفر حاضر در جلسه، در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در این طرح از دولت خواسته می‌شود که ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی که به عنوان پارانه به جاهای مختلف اختصاص می‌دهد، برای طرح تأمین کالاهای اساسی تخصیص دهد. در واقع اعتبار طرح تأمین کالاهای اساسی، رقمی به سقف بودجه اضافه نمی‌کند و در اصل نوعی جایجایی در یارانه‌های مختلفی که دولت پرداخت می‌کند، انجام می‌شود.

# "پوهنهی حقوق در خون"



## تمام تخم مرغ های خود را در یک سبد نگذارید!

در چند روز اخیر سفر محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ی ایران به آمریکای لاتین در بسیاری از نقاط جهان خیرساز شد. اگرچه سفر ظریف به مناسبت شرکت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری بولیوی بوده است اما مفهومی فراتر از این دارد. اگر به تاریخچه روابط ایران با آمریکای لاتین در دهه ی اخیر توجه کنیم، شاهد کمتر شدن روابط اقتصادی ایران با آمریکای لاتین در گذر زمان می شویم چراکه در دهه ی اخیر نگاه حاکم بر سیاست خارجی، دولت های شمالی آمریکا بوده است و ایران به دنبال هر فرصتی برای برقراری ارتباط با آنها بوده است. این نگاه حاکم بر سیاست خارجی تا آنجا پیش رفت که ارتباط ایران با برخی از کشور های آمریکای لاتین به نقطه ی صفر رسید. حال با سفر ظریف به این منطقه ما شاهد تغییر در نوع نگاه سیاسی و روابط خارجی ایران با سایر کشورهای جهان هستیم.

امروز وقتی دربارہ ی آمریکای لاتین سخن می گوئیم، دیگر منطقه ای را به عنوان حیاط خلوت واشنگتن متصور نمی شویم بلکه شاهد منطقه ای مستقل و سرشار از منابع طبیعی هستیم که در سطح جهان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است زیرا از نظر منابع نفت و گاز منحصر به فرد است. به عنوان مثال، بر اساس منابع نفتی کشف شده در ونزوئلا، این کشور رتبه اول را در جهان از نظر ذخیره منابع نفتی از آن خود کرده و عربستان سعودی را که تا پیش از این چنین رتبه ای داشته است را پشت سر گذاشته است. البته فقط کشور ونزوئلا از منابع نفتی و گازی برخوردار نیست بلکه کشور هایی مانند بولیوی، اکوادور و آرژانتین نیز دارای چنین منابعی هستند، همچنین کشور نیکاراگوئه دارای بیشترین دریاچه های آب شیرین در دنیا است و برزیل یکی از هشت قدرت صنعتی جهان است. همین منابع وسیع سبب شده است که اکثر کشورهای جهان از جمله چین، روسیه، ایران و ژاپن به دنبال تعامل سازنده اقتصادی و تجاری با این منطقه باشند. این تعامل سازنده و حضور کشورهای آسیایی در این منطقه سبب نگرانی شدید واشنگتن و اروپا شده است زیرا سبب دور زدن تحریم این کشور ها می شود. چین با نفوذ در این منطقه می تواند خلا نبود بازار بزرگی مثل آمریکا را جبران کند و از طرف دیگر روسیه هم به دنبال فروش ارزان سلاح در این منطقه است تا خود را به عنوان جایگزینی مناسب برای خرید سلاح به جای آمریکا در این منطقه معرفی کند. ایران هم می تواند در این زمینه سیاستی مشابه چین و روسیه برای دور زدن تحریم ها در نظر بگیرد. ایران و آمریکای لاتین می توانند روابط دوسویه و به اصطلاح برد برد باهم داشته باشند زیرا ایران به دنبال متنوع سازی در زمینه ی سیاست خارجی و اقتصادی اش در نظام بین الملل است و از سوی دیگر آمریکای لاتین هم به دنبال آزادی عمل بیشتری در سطح بین الملل می گردد. این رابطه ی دو سویه در گام نخست می تواند در زمینه کشاورزی و دامی ظهور کند زیرا کشورهای آمریکای لاتین از نظر منابع کشاورزی و دامی بسیار غنی هستند و می توانند خلا و کمبود محصولات دامی و کشاورزی را در داخل ایران جبران کنند و از سوی دیگر این کشور ها فاقد پیشرفت اساسی در زمینه ی ماشین آلات کشاورزی بوده و ایران می تواند با توجه به پیشرفت علمی و تکنولوژی خود در حوزه ی ماشین آلات کشاورزی، تامین کننده ی مناسبی برای این کشور ها باشد. با این روش ایران به دو دستاورد بزرگ در زمینه اقتصاد بین الملل می رسد. دستاورد اول ایران، دستیابی به بازار بزرگ و پرتقاضای خارجی و احیای صنعت داخلی است و دستاورد دوم، شکست رویکرد محدود سازی ایران از سوی آمریکا است چرا که ایران توانسته است با وجود اعمال تمام تحریم ها، اقتصاد خود را تا پشت مرزهای آمریکا پیش ببرد. در شرایط فعلی، ایران باید تلاش کند که اقتصاد خود را به یک منطقه جغرافیایی محدود نکند و به دنبال توزیع روابط خود در مناطق مختلف جهان باشد زیرا با اینکار اقتصاد ایران از حالت ایزوله درآمده و سیر پیشرفت خود را آغاز میکند.

روز دوازدهم آبان ماه، ساعت ۱۲ به وقت افغانستان صدای تیراندازی از سمت شمالی دانشگاه کابل جایی که دانشکده حقوق در آنجا قرار گرفته شنیده میشود. در ابتدا افراد مسلح وارد اولین کلاس و اولین طبقه می شوند و تیراندازی می کنند سپس در طبقه دوم تعدادی از دانشجویان را به گروگان میگیرند. پلیس تا ساعت شش بعد از ظهر و با نگرانی نسبت به جان گروگان ها با تروریست ها درگیر بودند اما در نهایت گروگان ها هم کشته می شوند. چند دانشجو برای نجات خود از پنجره فرار کردند و از این طریق جانشان را از دست دادند. پلیس وقتی از کشته شدن گروگان ها مطمئن میشود به دانشکده حمله میکند و هر سه تروریست را میکشد. خبر های ضد و نقیض از منبع این حمله تروریستی وجود دارد. برخی طالبان و برخی داعش را مقصر میدانند. دولت افغانستان اما شواهد را حاکی از دست داشتن طالبان در این حمله تروریستی میداند.

دانشگاه کابل بهترین دانشگاه افغانستان است چیزی شبیه جایگاه دانشگاه ما در ایران. هدف قرار دادن دانشجویان یعنی تمام امیدهای پاک یک کشور برای صلح و اصلاح پیامی غیر از طلب ویرانی ندارد. مقامات ایرانی واکنش های زیادی در محکومیت چنین افراطی گرایی های منتشر کردند از جمله بیانیه سخنجوی وزارت خارجه که ما در مبارزه با تروریسم در کنار ملت افغانستان هستیم. به راستی کدام یک از ما فارسی زبانان میزان سنگینی و غم نشسته بر دل پیام «جان پدر کجاستی» را درک نمیکنیم؟ این غم سنگین تر میشود وقتی همین ندا را از زبان افغانستانی که در فواصل کوتاه فرزندانش را از دست میدهد بشنویم. کدام مرز اعتباری می تواند ما را نسبت به سرنوشت انسان هایی که از جنس و زبان خودمان هستن بی تفاوت کند.

اما تا کی چهره افغانستان باید اندوهگین باشد؟ هروقت جوانانش بگویند ما زیادیم، گلوله کم می آوری ورق برمیگردد. ما هم به عنوان دانشجویانی مانند خودتان، شما را به مقاومت تشویق میکنیم و در کنارتان ایستاده ایم. در این میان اما واکنش ما چه بود؛ در شرایطی که در صدر اخبار جهان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مخابره می شد، ده ها دانشجوی افغانستانی به دست تروریست های مورد حمایت رژیم تروریستی آمریکا در افغانستان به خاک و خون کشیده شدند. سازمان های حقوق بشری که مثل همیشه سکوت اختیار کردند و از آنها جز این انتظاری نبود اما سکوت جهان اسلام نشان از این داشت که در شرایط کنونی جهان اسلام نه تنها محور غربی آمریکایی که خود متهم ردیف اول این جنایات تروریستی است؛ بسیاری از همسایگان این کشور و مسلمانان جهان نیز بی تفاوت از کنار این جنایت گذشتند؛ چرا که دنیا در انتظار انتخابات ریاست جمهوری کشور است که هر کدام از نامزدهای آن پیروز شوند نتیجه ای در سرنوشت کشورهای منطقه و غرب آسیا جز نا امنی و تحریم اقتصادی و طراحی برنامه ها و پروژه ها و توطئه های سیاسی پیدا و پنهان ندارد.

## "کودتا در دولت جمهوری خواه"

### ترس

ترامپ، در کاخ سفید  
نویسنده: باب وودوارد  
مترجم: دکتر کیوان سپهری  
ناشر: انتشارات بین المللی نخل  
نوبت چاپ: دوم تعداد صفحات: ۴۰۶ صفحه



باب وودوارد (۱۹۴۳ م-)، از سردبیران همکار روزنامه «واشنگتن پست» و برنده دو دوره از جایزه «پولیتزر»، که تاکنون درباره هشت رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا - از ریچارد نیکسون تا باراک اوباما - گزارش‌هایی تحقیقی و مستند ارائه کرده است، این بار به تشریح جزئیات بی‌سابقه‌ای از زندگی پرتنش دونالد ترامپ در داخل کاخ سفید و نحوه اداره سیاست‌های خارجی و داخلی کشور می‌پردازد.

«ترس» مستندترین روایت، از نخستین سال رئیس‌جمهوری را به تصویر می‌کشد که هم اینک بر مسند قدرت نشسته است. کانون ماجرا، مباحثات آتشین و نحوه تصمیم‌گیری در دفتر رئیس‌جمهور، اتاق عملیات کاخ سفید، هواپیمای شماره یک نیروی هوایی آمریکا و محل اقامت وی است.

وودوارد با استفاده از صدها ساعت مصاحبه با منابع دست‌اول، صورت‌جلسه ملاقات، خاطرات روزانه و اسناد و مدارک این کتاب را نوشته است. جزئیات با دقت تمام و به‌صورت روزمره به ثبت رسیده‌اند. «ترس» به توصیف موضوعات کلیدی سیاست خارجی مانند کره شمالی، افغانستان، ایران، خاورمیانه، ناتو، چین و روسیه می‌پردازد. همچنین با تعمق، چالش‌های سیاست داخلی ترامپ مانند: تجارت، تعرفه‌ها، مهاجرت، قانون مالیات‌ها، توافق پاریس و خشونت نژادی در «شارلوتزویل» (۲۰۱۷ م) را تشریح می‌کند.

«ترس» مطالبی تکان‌دهنده از مشروح مذاکرات بین وکلای ترامپ و رابرت مولر - بازرس ویژه تحقیقات درباره روسیه - را بیان کرده و برای نخستین بار جزئیات این مذاکرات را فاش می‌کند. وی نشان می‌دهد چگونه مقامات ارشد دولت هنگام با یکدیگر، نامه‌ها را از روی میز رئیس‌جمهور می‌زدند تا اطلاعاتی حساس به مخاطره نیفتند.

وودوارد می‌نویسد: «کودتایی در دولت در جریان است؛ فروپاشی روانی قوه مجریه قوی ترین کشور دنیا.»

لازم به ذکر است که در سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم و امام صادق، همزمان با روز ملی مبارزه با استکبار جهانی نیز به محتوای این کتاب اشاره شد:

«انصافاً رژیم آمریکا، به شدت دچار انحطاط سیاسی و انحطاط مدنی و انحطاط اخلاقی است. این هم تحلیل نیست؛ این [مطلبی] که من می‌گویم، این جور نیست که حالا تحلیل باشد؛ این را خودشان می‌گویند؛ این حرف سخت‌گویان خودشان و نویسندگان خودشان و صاحبان فکر از داخل خود آمریکا است؛ آنها این حرف را می‌زنند. در این چند سال چند کتاب نوشته‌اند، با تیترهای بالا در داخل آمریکا منتشر شده که برخی پرده‌ها را این کتابها بالا می‌زند. یکی از این کتابها را که به فارسی ترجمه شده، بنده خواندم؛ پُر از شواهد همین انحطاط است؛ یعنی واقعاً [اگر] کسی آن کتاب را بخواند، [می‌بیند که] اول تا آخر کتاب نشان‌دهنده انحطاط نظام سیاسی آمریکا با حرکات رئیس‌جمهور آمریکا است.» - ۱۳ / ۸ / ۱۳۹۹

شما می‌توانید برای خرید نسخه مکتوب این کتاب، با تلفن انتشارات بین المللی نخل: ۰۸۸۹۴۴۰۸۸ - ۰۲۱ تماس بگیرید و برای دریافت نسخه الکترونیکی آن، به وبگاه taaghche.com مراجعه نمایید.

## "خط امید"



آب و هوای گرم و خشک از دیرباز همنشین قسمت اعظمی از مردم سرزمینمان بوده است و همواره باعث چاره‌اندیشی و تعامل حکومت‌ها در مواجهه با محدودیت‌های آن شده است. نمونه‌های آن فراوان‌اند. از حفر قنات در عصر باستان گرفته تا طرح ایران رود (اتصال دریای خزر به خلیج فارس) و حتی همین اواخر طرح انتقال آب دریای خزر به سمنان. حال، یکی از این طرح‌ها در جنوب کشور کلید خورده است. رئیس‌جمهور در سی و یکمین برنامه افتتاحیه خط انتقال آب از خلیج فارس به فلات مرکزی ایران را افتتاح کرد. قرار است این طرح، آب خلیج فارس را تا استان یزد برساند البته اکنون فاز اول آن به پایان رسیده و این طرح تا شهر سیرجان به طول ۳۰۵ کیلومتر عملیاتی شده است. طبق گفته‌ی وزیر صمت، تمام مراحل طراحی و اجرای این طرح داخلی بوده است و مطالعات آن سال ۹۲ انجام و از سال ۹۵ اجرای این طرح آغاز شده است. برای اجرای این پروژه هم اعتباری در حدود ۱۶ هزار میلیارد تومان لازم است که از صندوق توسعه ملی و چند محل دیگر تأمین می‌شود. اما اهداف اجرای این پروژه چیست و چرا رئیس‌جمهور آن را خط امید می‌نامد؟ اصلی‌ترین هدف انتقال آب از طریق لوله به فلات مرکزی، استفاده صنعتی و معدنی است. برای این منظور لوله‌هایی تعبیه شده است که آب شور دریا را به مناطق صنعتی پمپاژ کند تا جهت خشک کردن تاسیسات و نیروگاه‌های صنعتی مورد استفاده قرار گیرد. البته ناگفته نماند که بخشی از این آب شور هم برای پرورش آبزیان اختصاص خواهد یافت. همچنین با نصب آب شیرین‌کن، هدف دیگر، تأمین آب آشامیدنی مردم کویر است. میزان بهره‌برداری از آب شیرین شده خلیج فارس حدود یک سوم آب شور است و در نتیجه مقدار کمتری به مصارف شهری و آب شرب اختصاص خواهد یافت با توجه به اینکه عمده مصرف آب در کشور در حوزه صنعت و کشاورزی است. به تعبیر رئیس‌جمهور، خط انتقال آب، خط انتقال امید به کشاورزان و کارگران مناطق مرکزی خواهد بود و کسب و کار آنها را رونق خواهد بخشید و بحران خشکسالی را از بین خواهد برد.

در این میان عده‌ای مخالف اجرای این طرح هستند زیرا که باور دارند علیرغم تأیید سازمان حفاظت از محیط زیست، اجرای این پروژه باعث آسیب رساندن به اکوسیستم دریا و کویر می‌شود. آنها به این مطلب استناد می‌کنند که حتی خود سازمان حفاظت از محیط زیست هم این طرح را رد کرده بود اما معلوم نیست که چه رانت و سودی در این میان بوده که این سازمان را مجاب به موافقت با این پروژه کرده است. با این حال، رئیس‌جمهور در سخنان خود تأکید کرد که این طرح با در نظر گرفتن محیط زیست اجرایی شده است و سیلاب‌های حاصل از استفاده یا شیرین کردن آب در فاصله چند کیلومتری دریا ریخته خواهد شد. بعضی از مخالفین هم بر این باورند که استفاده از آب شیرین‌کن با لوله انتقال آب فارغ از تأثیرات زیست‌محیطی، بسیار پرهزینه بوده و بنابراین قیمت آب آشامیدنی را افزایش خواهد داد و این مسئله دردی از مردم جنوب کشور را دوا نخواهد کرد. افزون بر اینها ساخت آب شیرین‌کن و لوله‌های انتقال آب نیازمند مقادیر بسیاری از فولاد و فلزات می‌باشند و با توجه به اوضاع کشور احتمالاً باید شاهد افزایش قیمت آنها هم باشیم! از سوی دیگر مکان قرارگیری صنایع کشور هم محل مناقشه است و از این رو باید پرسید چرا صنایعی که نیازمند آب فراوان هستند در مناطق کویری ساخته شده‌اند؟! در حالی که می‌بایست در کنار دریاها ساخته می‌شدند. از کنار همه‌ی این مسائل که بگذریم این سوال مطرح می‌شود که آیا برای کنترل خشکسالی و مدیریت کم‌آبی راه دیگری به جز این روش پرهزینه و زمان‌بر وجود ندارد؟ قطعاً می‌توان با تدابیر کم‌هزینه و سریع‌تر به مقابله با خشکسالی پرداخت. با در نظر گرفتن همه انتقادات و معایب انتقال آب، این طرح باعث ایجاد اشتغال خواهد شد و این امر با توجه به معضل بیکاری اتفاق حسنه‌ای است؛ در مصرف آب صرفه جویی خواهد شد و باعث کاهش چشمگیر چاه‌های غیر مجاز خواهد شد، آب آشامیدنی سالم برای مردم جنوب تأمین خواهد کرد، در مقابله با بحران خشکسالی یاری رسان خواهد بود و به گفته مسئولین میراث ماندگاری برای نسل‌های بعدی خواهد بود.

با تمام این اوصاف، مزایا و معایبی برای طرح انتقال آب خلیج فارس مطرح است و ابهاماتی پیرامون آن وجود دارد. مسلماً باید این طرح به صورت جدی مورد واکاوی قرار داده شود و هزینه و فایده آن محاسبه شود چرا که هزینه‌ی هنگفتی صرف این پروژه خواهد شد و علاوه بر آن پای محیط زیست در میان است. تحلیل‌های کارشناسان مربوطه می‌تواند در این زمینه گره‌گشا باشد. امید است که مسئولین بهترین تصمیم را گرفته و از هدر رفت منابع جلوگیری کنند تا خط امید مردم به خط یاسی دیگر بدل نگردد.